

گفتمان غالب جهانی شدن و سیاست‌های توسعه شهر (نقدی بر پروژه‌های سرمایه‌گذاری در شهر مشهد)

محمدحسن رضوی (دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران، نویسنده مسئول)

razavi.m@hotmail.com

مظفر صرافی (دانشیار برنامه ریزی و طراحی شهری و منطقه ای دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران)

sarrafi@sbu.ac.ir

جمیله توکلی نیا (دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران)

j_Tavakolinia@sbu.ac.ir

محمدتقی رضویان (استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران)

m-razavian@sbu.ac.ir

DOI: 10.22067/pg.v1i4.61210

چکیده

پرسش آغازین مقاله پیش‌رو این است که جهانی‌شدن چگونه موجب تغییر در شهرهای ایران و به‌ویژه شهر مشهد شده است؟ درحالی‌که بیشتر نوشته‌های موجود نشان می‌دهند کشور ایران و شهرهای آن، جایگاهی در سلسله مراتب شهرهای جهانی ندارند و نتیجه‌گیری می‌کنند که جهانی‌شدن تأثیر چندانی بر آن‌ها نداشته است. این مقاله ادعا می‌کند که جهانی‌شدن به مثابه گفتمان غالب یکی از عوامل بسیار مهم در تحلیل تغییرات شهری در ایران و مشهد است. این گفتمان غالب، که "برداشت خطی-عددی از جهانی‌شدن" و سیاست "بازساخت فضای شهری برای جهانی‌شدن" دو مورد از گزاره‌های اصلی آن را تشکیل می‌دهد، با عنوان جهانی‌شدن نولیبرالیسم نام‌گذاری شده و ابعاد آن در ایران تحلیل شده است. تحلیلی از توزیع فضایی پروژه‌های سرمایه‌گذاری در شهر مشهد نیز با این رویکرد بررسی شده است. در پایان به ضرورت اندیشیدن به برداشت بدیل از جهانی‌شدن برای خلق فضایی متمایز از آنچه اکنون وجود دارد، پرداخته شده است.

کلیدواژه‌ها: جهانی‌شدن، شهر، شهرهای جهانی، شهر مشهد، گفتمان، نولیبرالیسم

این مقاله مستخرج از رساله دکتری آقای محمدحسن رضوی با موضوع "جهانی‌شدن و توسعه اجتماعات محلی در فرآیند بازتولید فضای شهری" است که در دانشگاه شهید بهشتی به راهنمایی آقای دکتر مظفر صرافی و خانم دکتر جمیله توکلی نیا و با مشاوره آقای دکتر محمدتقی رضویان به انجام رسیده است.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۰۲ تاریخ تصویب: ۱۳۹۶/۰۴/۲۱

مقدمه و بیان مساله

امروزه شهرها در خط مقدم توسعه ملی حرکت می‌کنند. بر اساس گزارش‌ها و پیش‌بینی‌های سازمان ملل و بانک جهانی، تا سال ۲۰۳۰ بیش از ۸۰ درصد جمعیت جهانی در شهرها زندگی خواهند کرد (Myers & Wyatt, 2004: 285) و به گفته برنامه اسکان بشر ملل متحد، سرنوشت پیروزی یا شکست در جنگ برای دستیابی به توسعه پایدار در جبهه شهرها مشخص خواهد شد (UN-Habitat, 2016, p. 6). این موج فزاینده شهرنشینی با جهانی‌شدن همزمان شده است؛ که فراتر از تعاریف رایج و بسیار متنوع، جهانی‌شدن فرآیندی است که ما را به سمت تفکر عمیق در رابطه با فضا، فضاامندی اجتماع، سرزمین و مرزبندی‌اش رهنمون می‌شود؛ به بیانی دیگر، جهانی‌شدن، درک ما را از مفاهیم فوق دستخوش تغییرات بنیادین کرده است و هستی‌شناسی جدیدی را فرا روی ما قرار داده است. جهانی‌شدن به مثابه حرکت آزادانه سرمایه، پول، انسان، تکنولوژی و ... (Razavian, 2012) یکی از رایج‌ترین تعاریف از این مفهوم می‌باشد و در آغاز این نوشتار نیز مورد قبول قرار گرفته است. در نقطه اشتراک دو فرآیند یا مفهوم، یعنی شهری‌شدن و جهانی‌شدن، شهرهای جهانی موضوع حجم بسیار زیادی از مطالعات و مقالات قرار گرفته است و مفاهیم شهرهای جهانی^۱ (Sassen, 1991 & 2001) و شبکه شهرهای جهانی^۲ (Taylor, 2004) & Taylor & Derudde, 2016) مورد قبول عام قرار گرفته است و با خلق گزاره‌های مخصوص به خود به گفتمان غالب^۳ در عرصه برنامه‌ریزی شهری (Springer, 2010 & 2012) و همچنین به عادت-واره^۴ برنامه‌ریزان شهری تبدیل شده است (Friedmann, 2005: 184). این گفتمان غالب از جهانی‌شدن یا عادت-واره برنامه‌ریزی، رابطه نزدیک و عمیقی با گفتمان واقعاً موجود نولیبرالیسم^۵ (Brenner & Theodore, 2002) دارد.

اگرچه بررسی‌های بسیاری با موضوع "جهانی‌شدن و شهرهای ایران" وجود دارد (Sarvar, 2008; Abdolahi, 2008; Rahnama & Tavangar, 2008; Ghurchi, 2012)، اما این تحقیقات بیشتر به بررسی جایگاه شهرهای ایران در سلسله مراتب شهرهای جهانی پرداخته‌اند و با توجه به قرار نداشتن هیچ یک از شهرهای ایران در سلسله مراتب‌های ارائه شده، نتیجه‌گیری شده است که فرآیند جهانی‌شدن نقش

1 Global Cities

2 World Cities Network

3 Dominant Discourse

4 Habitus

5 Actually Existing Neoliberalism

چندانی در تغییرات شهری ایران نداشته است. در پی این تحقیقات، تلاش برای ارتقای موقعیت شهرهای ایران در نردبان سلسله‌مراتب شهرهای جهانی و بهره‌مندشدن از مزایای آن از جمله رونق اقتصادی و جذب سرمایه‌های بی‌مکان در دستورکار برنامه‌ریزی شهری در ایران قرار گرفته است.

مطالعات خارجی چندانی در ارتباط با "جهانی‌شدن و شهرهای ایران" وجود ندارد، اما برخی از آن‌ها (McKinnon, 2011 & Biau, 2012) که عموماً در رابطه با تغییرات شهری در جنوب و جنوب شرق آسیا است و تلاش‌هایی برای تسری آن‌ها به ایران نیز صورت گرفته است، بر آن است که تغییرات شهری این منطقه از جهان متأثر از جهانی‌شدن نیست و بلکه در این خصوص نیمه-جهانی‌شدن^۱ و شکل‌گیری دولت-ملت‌ها را باید مورد بررسی قرار داد. ما در این مقاله برآنیم که جهانی‌شدنی که هستی‌شناسی انسان معاصر را دستخوش دگرگونی کرده است، در فهم تغییرات شهری در شهرهای ایران نیز بسیار مهم است؛ چه بگوییم شهرهای ایران در سلسله‌مراتب شهرهای جهانی جایگاهی ندارد و حتی یک سیاه‌چاله جهانی (Short, 2004) است و چه اثرات آن‌را نیمه-جهانی‌شدن بنامیم. این تأثیر در سطح گفتمانی است و از طریق شکل دادن به عادت‌واره برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیران شهری در حال فرم دادن به سیاست‌های توسعه شهری است؛ به بیانی دیگر گفتمان غالب که ما آن را جهانی‌شدن نولیبرالیسم^۲ می‌خوانیم در حال شکل دادن به شهرهای ایران و به ویژه شهر مشهد می‌باشد و پروژه‌های سرمایه‌گذاری بزرگ‌مقیاس در سطح شهری در خط مقدم این تغییرات در حال کنش هستند. از همین روی، تحلیل توزیع فضایی از پروژه‌های سرمایه‌گذاری پیشنهادی از طرف شهرداری مشهد نیز در این مقاله ارائه شده است.

اهداف تحقیق

هدف تحقیق، ارائه تحلیلی از رابطه جهانی‌شدن و تغییرات شهری در شهر مشهد و به‌ویژه سیاست پروژه‌های سرمایه‌گذاری در شهر مشهد است. در کنار هدف اصلی تحقیق، ارزیابی فضایی از پروژه‌های سرمایه‌گذاری پیشنهاد شده توسط شهرداری شهر مشهد نیز مد نظر بوده است؛ بنابراین در این تحقیق به دنبال یافتن پاسخ سؤالات زیر هستیم:

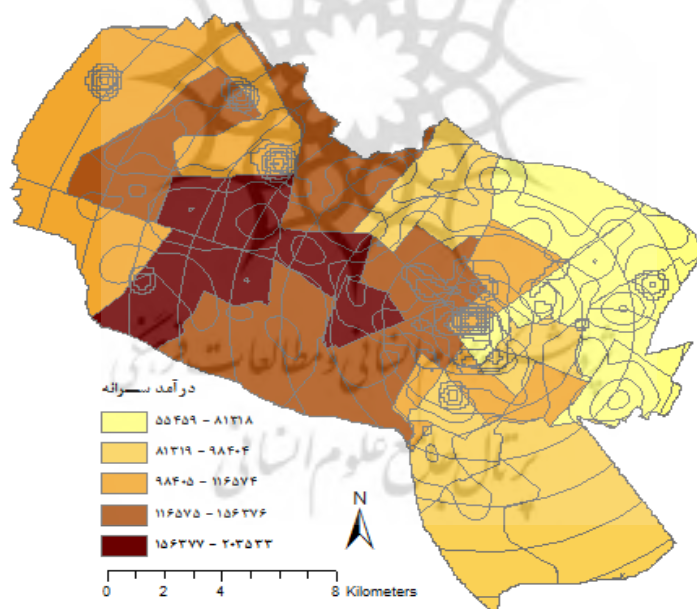
۱. جهانی‌شدن از چه طریقی باعث تغییرات شهری در شهرهای ایران می‌شود؟
۲. توزیع فضایی پروژه‌های سرمایه‌گذاری پیشنهادی، دارای چه الگویی است؟

1 Semi-globalization

2 Globalization Of Neoliberalism

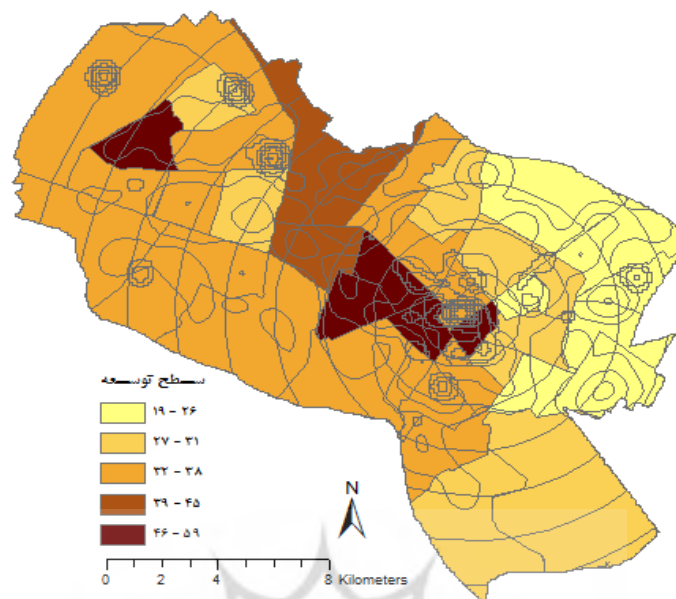
روش تحقیق

روش تحقیق علمی به روشی گفته می‌شود که کلیه وسایل و مراحل جمع‌آوری سیستماتیک اطلاعات و نحوه تجزیه و تحلیل منطقی آن‌ها را برای نیل به یک هدف معین داشته باشد (Nabavi, 1997: 9). روش تحقیق حاضر توصیفی و تحلیلی است. پاسخ به سؤال اول از دل مبانی نظری استخراج خواهد شد و برای بررسی سؤال دوم، تراکم پروژه‌های پیشنهادی با سطح دسترسی به خدمات و زیرساخت‌ها و پراکندگی درآمد سرانه خانوار (که نقشه آن‌ها در نقشه‌های شماره ۱ و ۲ آورده شده است) مقایسه شده است، که بدین منظور از روش خودهمبستگی فضایی چندمتغیره، در نرم‌افزارهای ArcGIS و GeoDA استفاده شده است. برای توصیف و تحلیل داده‌ها پس از جمع‌آوری اطلاعات، این داده‌ها رقومی سازی شده و سپس با استفاده از دستور Union در نرم‌افزار ArcGIS این لایه‌ها روی هم گذاری شده و اطلاعات توصیفی مورد نیاز نیز به لایه رقومی فوق لینک گردید، تا داده‌ها برای تجزیه و تحلیل در نرم افزارهای فوق آماده شود.



نقشه ۱- درآمد سرانه خانوار^۱ در ناحیه‌های شهرداری مشهد (Mashhad Municipality, 2009)

۱ این اطلاعات براساس نتایج پیمایشی با ۱۷ هزار پرسش‌نامه در شهر مشهد بدست آمده است، اگر چه در جمع‌آوری داده‌ها با کمبودهای بسیار روبرو بوده است، اما برای مقایسه در نواحی شهرداری و هدف این تحقیق کفایت می‌کند.



نقشه ۲- سطح دسترسی به خدمات و زیرساخت‌ها در ناحیه‌های شهرداری مشهد (Shahnoushi, 2007)

مبانی نظری

جهانی شدن در مفهوم عام آن عبارت از درهم ادغام شدن بازارهای جهانی در زمینه‌های تجارت و سرمایه‌گذاری مستقیم و جابجایی و انتقال سرمایه، نیروی کار و فرهنگ، در چارچوب سرمایه‌داری و آزادی بازار و در نهایت سر فرود آوردن جهان در برابر قدرت جهانی بازار (Iranzade, 2001: 26) به نقل از (Rahnama & Tavangar, 2010: 157)، یا به عبارتی حرکت آزاد سرمایه، کالاها، انسان‌ها تکنولوژی و ... در سرتاسر جهان (Razavian, 2012) می‌باشد. این فرآیند که از دهه ۱۹۸۰ تا به امروز به صورت روزافزونی در حال گسترش و عالمگیر شدن بوده است، در بُعد اقتصادی خود بیشتر مورد توجه قرار گرفته است و از این رو ارتباط بسیار نزدیکی با نولیبرالیسمی دارد که دیوید هاروی سال ۱۹۷۹ را سال آغازین آن معرفی می‌کند (Harvey, 2012: 1). شهرها به عنوان گره‌گاه‌های جهانی شدن یا آنجا که شبکه‌ها پایان می‌یابند (Amin & Thrift, 2002: 110 & Thrift, 2010)، نقش بسیار مهمی در جهانی شدن ایفا می‌کنند، اما تعداد این شهرهای جهانی انگشت شمار است، در نتیجه از آنجا که کمبود به عنوان یکی از علل اصلی گرفتار آمدن بسیاری از کشورها در چرخه باطل فقر و توسعه‌نیافتگی شناخته شده است (Jafre & Saffar, 2011: 160)، شهرهای سرتاسر جهان تلاش دارند تا خود را به پله‌های بالاتر سلسله مراتب

جهانی شدن برسانند تا از این روش سرمایه‌های بی‌مکان را در فضای جریان‌ها به خود جذب کنند. این فرآیند می‌خواهد به توسعه منجر شود و از همین روست که امروزه موضوع جهانی شدن و شهر و اصطلاح شهرهای رقابتی یا شهرهای خلاق به یکی از دستورکارهای برنامه‌ریزی شهری در جهان و ایران تبدیل شده‌است. رابطه جهانی شدن و شهر به عنوان دستورکاری برای برنامه‌ریزی شهری در سال‌های ۱۹۸۲ و ۱۹۹۵ توسط جان فریدمن مطرح شد (Friedmann & Wolff, 1982 & Friedmann, 1995)، اگرچه برخی محققین به دنبال ریشه‌های شهرهای جهانی در آثار پاتریک گدس (Smith, 2013) هستند یا مطالعاتی در مورد مفهوم شهری شدن سیاره‌ای^۱ (Brenner, 2014) با الهام از کتاب انقلاب شهری لوفور (Lefebvre, 2003 (1970) در حال انجام شدن است.

بررسی در ادبیات جریان اصلی جهانی شدن که همان گفتمان غالب نیز می‌باشد، نشان دهنده دو رویکرد است که به نظر نگارندگان این مقاله تکمیل‌کننده یکدیگرند؛ رویکرد اول که به شهرهای جهانی (یا جهان‌شهرها)^۲ مربوط می‌شود و رویکرد دوم که شبکه شهرهای جهانی^۳ است.

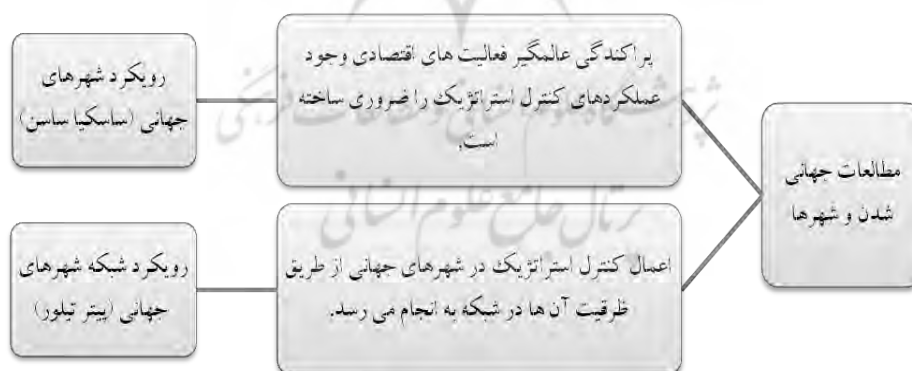
رویکرد نخست، که با کارهای ساسکیا ساسن (۱۹۹۱، ۱۹۹۵ و ۲۰۰۱) شناخته شده است و می‌توان آن را در ادامه کارهای جان فریدمن (۱۹۸۲ و ۱۹۹۵) و پیتر هال (۱۹۶۶ و ۱۹۹۸) دانست، مبتنی بر مطالعه تطبیقی ویژگی‌های درونی شهرهای بزرگ جهان است، بنابراین آنچه شهرهای جهانی در درون خود دارند، آن‌ها را به "مراکز دستور و کنترل جهان" تبدیل می‌کند. این ویژگی‌های درونی شهرهای جهانی برای جان فریدمن، دفاتر مرکزی شرکت‌های فراملیتی بود و برای ساسن خدمات پیشرفته پشتیبان تولید می‌باشد، در نتیجه در رویکرد ساسن با سه شهر جهانی (جهان‌شهر) نیویورک، لندن و توکیو روبرو هستیم. در سطحی جهانی، دینامیسم اصلی‌ای که موقعیت شهرهای اصلی و بزرگ را در اقتصاد جهانی توضیح می‌دهد، این است که آن‌ها زیرساخت‌ها و خدماتی را در خود متمرکز می‌کنند که توانایی و ظرفیت کنترل جهان را به آن شهرها می‌دهد (Sassen, 1995: 63). در ویرایش نخست کتاب شهرهای جهانی ساسن (۱۹۹۱)، توجهی به مفهوم شبکه نشده بود، اما پس از چاپ سه گانه عصر اطلاعات (Castells, 2001) و با الهام از آن، ساسن نیز ویرایش دوم کتاب شهرهای جهانی (۲۰۰۱) را به چاپ رساند و فصل جدیدی را در رابطه با شبکه و شهرهای جهانی به کتاب خود افزود.

1 Planetary urbanization

2 Global Cities

3 World Cities Network

رویکرد دوم، که بیشتر با پیتلر تیلور (۲۰۰۴ و ۲۰۱۶) و همکاران وی در موسسه جهانی شدن و شهرهای جهانی^۱ شناخته شده است، کاملاً مبتنی بر مفهوم جامعه شبکه‌ای^۲ (البته با تعریف کاستلزی آن) و فضای جریان‌ها^۳ است. این رویکرد در حقیقت تکمله‌ایست بر رویکرد ساسن با توجه به مفهوم شبکه؛ به این معنا که اعمال عملکرد کنترل استراتژیک بر اساس ظرفیت کنشگری شهرها در فضای جریان‌ها تنظیم می‌شود. از آنجا که میان شهرها فاصله وجود دارد، متفاوت‌اند؛ اما آن‌ها از یکدیگر جدا نیستند: درون فاصله‌ها جریان وجود دارد، جریان انسان‌ها، کالاها، اطلاعات و ایده‌هایی که شهرها را به هم متصل کرده است. هیچ شهری یک جزیره نیست (Taylor, 2008: 214). از این رو ما با تنها سه شهر جهانی سروکار نداریم، بلکه شبکه‌ای از شهرهای جهانی وجود دارد که می‌توان آن‌ها را در سه دسته آلفا، گاما و بتا دسته بندی نمود (Taylor & Derudde, 2016). بر اساس این رویکرد، شهرهای بزرگی مانند تهران، که ظرفیت کنشگری در فضای جریان‌ها را ندارند، جزو سیاه چاله‌های شهری هستند (Short, 2004). تفاوت دو رویکرد فوق بحث‌هایی را در جامعه علمی ایران شکل داد که بیشتر متوجه تفاوت میان جهان-شهر و شهر جهانی بود و این که چه واژه‌هایی را باید برای معادل آن‌ها در زبان فارسی در نظر گرفت، اما در این مقاله نویسندگان بر آنند که تفاوت موجود در این دو رویکرد، در توجه جلدی رویکرد دوم به "شبکه" است که در ترجمه آن باید مورد توجه قرار گیرد؛ به عبارت دیگر بدون توجه به وجود مفهوم شبکه در دومین رویکرد، تفاوت بنیادینی میان جهان‌شهرها و شهرهای جهانی وجود ندارد.



شکل ۱- رویکردهای غالب به رابطه جهانی شدن و شهر (ترسیم از نگارندگان مقاله)

1 Globalization and Global Cities (GaWC)

2 Network Society

3 Space of Flows

تا به این‌جا بررسی کوتاهی از رابطه جهانی شدن و شهر ارائه شد، اما گفتمان چیست و چه ارتباطی با جهانی شدن می‌تواند داشته باشد؟ آیا می‌توان از گفتمان غالب جهانی شدن یا جهانی شدن نولیبرالیسم سخن گفت؟

رویکردهای متفاوت و گاه متناقضی به گفتمان وجود دارد، اما گفتمان مدنظر در این تحقیق بیشتر معطوف به مکتب پسااساخت‌گرای فرانسه و به ویژه میشل فوکو و ژیل دلوز می‌باشد. گفتمان برای فوکو گروهی از گزاره‌ها^۱ (Deleuze, 2013) است که زبانی را برای صحبت در مورد آن فراهم می‌آورد. (روشی برای بازنمایی دانش در مورد آن) موضوعی خاص در لحظه تاریخی خاص - گفتمان درباره تولید دانش از طریق زبان است (Hal, 1998: 291)، «گزاره» در نظر فوکو شباهت زیادی به مفهوم «کنش‌های کلامی» مورد نظر آستین و سرل دارد. اما نه هر کنش کلامی، بلکه کنش‌های کلامی که حوزه مستقلی را شکل می‌دهند و واجد تأثیر می‌باشند (Dreyfus & Rabinow, 2003). همزمان که همه کنش‌های اجتماعی متضمن معنا هستند و معنای آن‌چه را ما انجام می‌دهیم شکل می‌دهند و بر آن اثر می‌گذارند، همه کنش‌ها دارای بعد گفتمانی هستند. برای تحلیل گفتمان، قدرت یا به تعبیر فوکویی نسبت نیروها، مؤلفه کلیدی است. قدرت چیزی به شمار نمی‌آید که افراد در اختیار داشته باشند و در مقابل دیگران به کار بگیرند، بلکه مولد امر اجتماعی تلقی می‌شود. شاید استفاده از کلمه‌ی "قدرت" برای اشاره به نیرو و فرایندهایی که جهان اجتماعی ما را خلق و آن را برای ما معنادار می‌کند عجیب به نظر می‌رسد، اما نکته این جاست که این برداشت از قدرت بر تصادفی بودن جهان اجتماعی تأکید دارد. این قدرت است که دانش ما، هویتمان و نحوه‌ی ارتباطمان با یکدیگر را در قالب گروه یا فرد خلق می‌کند (Phillips & Jørgensen, 2010: 73).

پیکر بندی مفهومی از نولیبرالیسم و به تبع آن جهانی شدن نولیبرال بر اساس یک دوگانه غلط شکل گرفته است، یک طرف مطالعاتی است که متأثر از فوکو، نولیبرالیسم را فرمی از حکومت مندی می‌داند و در سوی دیگر مطالعاتی که تحت تأثیر مارکس، نولیبرالیسم را به مثابه ایدئولوژی هژمون بررسی می‌کنند. لازم به ذکر است که هر دو رویکرد فوق با چالش‌ها و مشکلاتی در پیکربندی مفهومی روبرو می‌شوند و

۱ توجه به این نکته مهم است که فوکو در کتاب دیرینه شناسی دانش بین گزاره، قضیه (واحد کار منطق دانان) و جمله (که واحد کاری زبان شناسان است) تفاوت می‌گذارد و اساساً گزاره را واحد پایه‌ای گفتمان می‌داند. همین تأکید برگزیده است که محل تفکیک تحلیل گفتمان فوکویی با سایر تحلیل‌های گفتمان به عنوان مثال موف یا فرکلاف می‌باشد.

بنابراین دچار تقلیل و تحویل‌گرایی می‌شوند. این مقاله جهانی شدن نولیبرال را به مثابه یک گفتمان بررسی کرده است تا بتواند از طریق دخیل دانستن همه رویکردها، چالش نظری و مفهومی فوق را برکناری نهد. شکل شماره ۲ برداشتی از گفتمان جهانی شدن نولیبرال ارائه می‌دهد.



شکل ۲- گفتمان جهانی شدن نولیبرالیسم (Springer, 2012 با اندک تغییرات)

بر اساس مطالعه وارد و انگلند (۲۰۰۷)، چهار فهم از نولیبرالیسم وجود دارد که می‌توان از طریق آن‌ها، جهانی شدن نولیبرال را بهتر فهمید، این چهار برداشت (فهم) از نولیبرالیسم و جهانی شدن عبارتند از:

۱. جهانی شدن نولیبرالیسم به مثابه یک پروژه هژمونیک ایدئولوژیک (Cox, 2002): بر اساس این برداشت کنشگران نخبه و گروه‌های غالب، می‌توانند تصویری از جهانی شدن و نولیبرالیسم را شکل دهند و آن‌را به دیگران بقبولانند، این برداشت شکلی هژمونیک به خود می‌گیرد.

۲. جهانی‌شدن نولیبرالیسم به مثابه سیاست‌گذاری و برنامه (Brenner & Theodore, 2002): این برداشت بر تغییر مالکیت از دولت و بخش عمومی به بخش خصوصی و شرکت‌ها متمرکز است و از کلیدواژه‌هایی مانند خصوصی‌سازی، مقررات زدایی و سیاست زدایی استفاده می‌کند.
۳. جهانی‌شدن نولیبرالیسم به مثابه فرمی از دولت (Peck, 2001): در این برداشت از جهانی‌شدن نولیبرالیسم، بر رقابتی شدن دولت‌ها تأکید می‌شود.
۴. جهانی‌شدن نولیبرالیسم به مثابه حکومت‌مندی^۱ (Foucault, 2010): بیشتر بر کارهای فوکو متمرکز است، که از طریق ایجاد فهم مشترک نوع جدیدی از قدرت را تولید و بازتولید می‌کند که همچنین بر حکمروایی از راه دور متمرکز است.

گفتمان جهانی‌شدن در شهرهای ایران

فراتر از ادبیات موجود و در دسترس که به بررسی جایگاه شهرهای ایران در سلسله مراتب شهرهای جهانی می‌پردازد و یا ادبیات خارجی که نقش‌چندانی برای جهانی‌شدن در تغییرات شهری ایران نمی‌بیند، این مقاله بر آن بوده است تا نشان دهد که جهانی‌شدن و فهم درست از آن یکی از مهمترین پایه‌های فهم تغییرات شهری در ایران است و این فهم از جهانی‌شدن، آن را به مثابه گفتمان می‌بیند که در همراهی با نولیبرالیسم اقتصادی، عادت‌واره برنامه‌ریزی شهری و در نتیجه فرآیند سیاست‌گذاری شهری را در ایران شکل داده است؛ به عبارت دیگر جهانی‌شدن نولیبرالیسم به مثابه یک گفتمان گزاره‌هایی را خلق کرده است که این گزاره‌ها باعث به فراموشی سپردن گونه‌های آلترناتیو برای دست یافتن به توسعه راستین و رسالت شهر که همانا برانگیختن مشارکت راستین همه شهروندان است، می‌باشد. در میانی نظری اشاره شد که گفتمان فوق دارای چهار بعد است، که در ارتباطی نزدیک یکدیگر را تکمیل می‌کنند. در ادامه مقاله پاره فکری در مورد شرایط ایران در این چهار بعد ارائه شده است.

۱. بعد ایدئولوژی هژمونیک را در تغییرات شهری شهر مشهد به وضوح می‌توان دید؛ مشهد به عنوان شهری مذهبی که با عناوینی مانند پایتخت معنوی ایران و شهر بهشت شناخته شده است، که باید الگویی از ایدئولوژی اسلامی باشد، اما در برنامه‌ریزی شهری و پروژه‌های سرمایه‌گذاری هیچ نشانی از این سخن‌وری و لفاظی دیده نمی‌شود، بلکه شاهد نوعی برهم‌نشست اسلامی-نولیبرال^۲ هستیم که بسیار

1 Governmentality

2 Islamic-Neoliberal Assemblage

به آنچه اوزان کارامان در شهر استانبول در دوران حزب عدالت و توسعه نشان می‌دهد (Karaman, 2010 & 2013)، شبیه است. این برهم‌نشست اسلامی-نولیبرال با ویژگی‌های دولت و حکومت رانتیر در شهر در هم می‌آمیزد، از همین روست سرمایه‌هایی که جذب ساخت و سازهای شهر مشهد می‌شوند عمدتاً وابسته به نهادهای قدرت هستند.

۲. جهانی شدن نولیبرالیسم به مثابه سیاست گذاری و برنامه؛ در این زمینه می‌توان به گزاره "بازساخت شهری برای جهانی شدن" شهرهای ایران اشاره کرد که سیاست اصلی در برنامه‌ریزی شهری ایران شده است و به دنبال آن پروژه‌های سرمایه‌گذاری را می‌توان نمود برنامه‌ای آن دانست. پروژه‌هایی که عمدتاً از مدل مشارکت عمومی خصوصی برای تأمین مالی آن‌ها استفاده می‌شود و قوانین شهری مصوب در طرح‌های فرادست را دور می‌زنند و یا نادیده می‌گیرند.

۳. جهانی شدن نولیبرالیسم به مثابه فرمی از دولت، در این رابطه بسیار گفته شده است که فرایند توسعه همواره کنش دولت را در بردارد (Shaterian & Ganjipoor, 2011: 132) و نقش دولت‌ها در فضا سازی جغرافیایی از عوامل تعیین کننده محسوب می‌شود (Shokouei, 2004: 29). در نوشتارهای توسعه کشورهای جهان سوم در مورد اهمیت دولت برای پیشبرد فرایند توسعه توافق کلی وجود دارد و به عنوان یکی از نیروهایی تلقی می‌شود که نقش زیادی در فرایندهای تغییر این جوامع ایفا می‌کند (Shaterian & Ganjipoor, 2011: 132)، همچنین در مطالعات متعددی تأثیر مثبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی ایران، اشتغال (Komejani, A. & Ghavidel, 2006)، بهره‌وری کل اقتصاد و دیگر متغیرهای اساسی توسعه اقتصادی ایران، به اثبات رسیده است. همچنین بررسی‌ها و تحلیل‌های محمد مالجو (Maljou, 2013a, 2013b, 2014a, 2014c, 2015, 2016) از سیاست‌های اقتصادی دولت نشان می‌دهد که به واقع نولیبرالیسم در حال تبدیل شدن به فرم دولت در ایران است.

۴. جهانی شدن نولیبرالیسم به مثابه حکومت‌مندی نیز مخصوصاً در دولت اعتدال نمایان است، به طوریکه برخی آن را به گذار از حاکمیت مندی^۱ به حکومت‌مندی (Sarkhosh, 2013) تعبیر کرده‌اند. در این رویکرد بحث‌های بسیاری از مشارکت و شکل‌گیری توسعه از پایین و جامعه مدنی و اجتماع محور طرح می‌شود که تقریباً در تمامی شهرهای حداقل بزرگ کشور شاهد آن هستیم، اما در "تحلیل

نهایی این حاکمیت است که همچنان به مثابه دال اعظم سیاست باید به جامعه مدنی امکان شکل‌گیری و عرض اندام دهد" (Sarkhosh, 2013) و این همان بعد حکومت‌مندی جهانی شدن نولیبرال است.

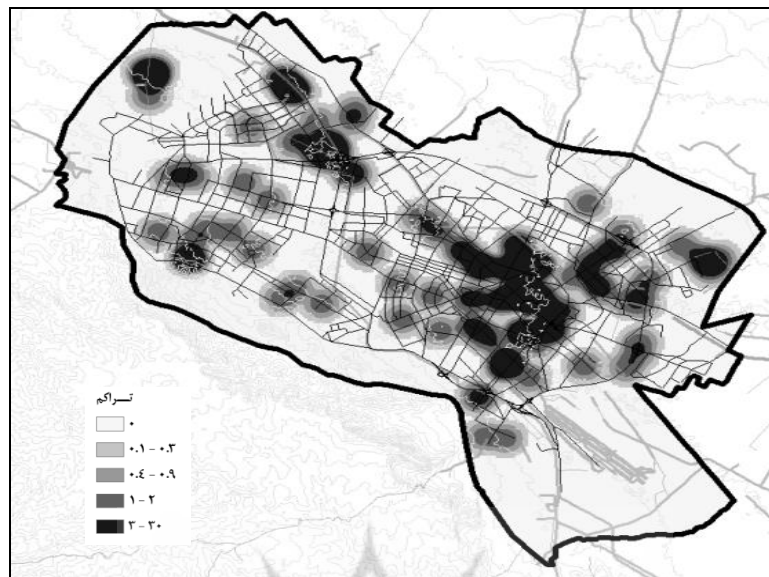
بررسی پروژه‌های سرمایه‌گذاری پیشنهادی شهر مشهد

گفته شد که برداشت خطی و عددی از جهانی‌شدن به گفتمان غالب و عادت‌واره برنامه‌ریزی شهری در ایران تبدیل شده و از این طریق فهم عامه را شکل داده است. در رابطه با بعد سیاست‌گذاری و برنامه‌نیز گفتیم که ابرپروژه‌های سرمایه‌گذاری در خط مقدم جهانی‌شدن نولیبرالیسم قرار دارند. این پروژه‌های سرمایه‌گذاری بزرگ‌مقیاس در شهر مشهد نمودی دو چندان دارد. شهرداری مشهد توجه بسیاری به توسعه شهر از طریق آن‌ها داشته است و دو دوره نمایشگاه فرصت‌های سرمایه‌گذاری در شهر مشهد برگزار کرده است.

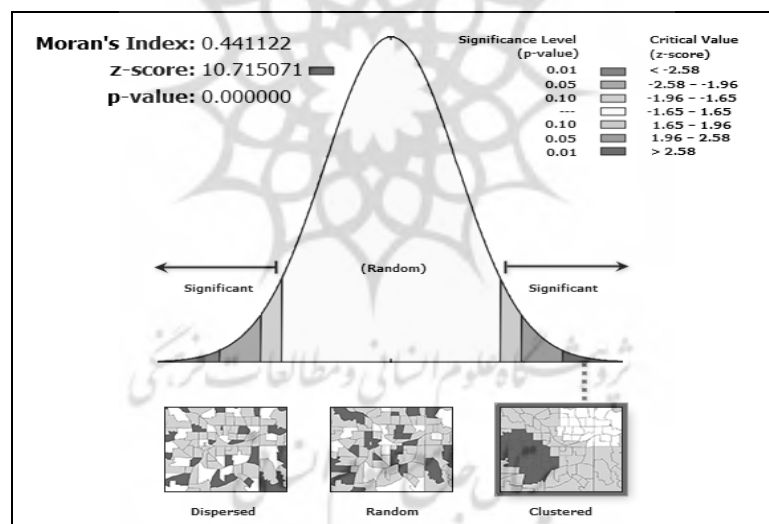
در دومین نمایشگاه فرصت‌های سرمایه‌گذاری در شهر مشهد، تعداد ۱۷۵ پروژه برای سرمایه‌گذاری بخش عمومی خصوصی در شهر مشهد رونمایی گردید، این اراضی که می‌توان درصد بالایی از آنها را در گروه اراضی رهاشده شهری^۱ (رضوی، ۱۳۹۰) جای داد، ۴۳۸ هکتار از وسعت شهر مشهد را شامل می‌گردید و در مجموع دارای ۱۱۰۴ هکتار زیربنا بود؛ که میانگین تراکم پروژه‌ها ۳۶۰ درصد و میانگین تعداد طبقات ۷ طبقه بوده است. ۸۷ مورد از این اراضی در ۸۰۲ قطعه ملکی قرار گرفته بود و به طور میانگین نیازمند به تملک ۹،۵ واحد ملکی بوده‌اند.

نقشه تراکم از موقعیت پروژه‌های پیشنهادی بدون توجه به سایر مشخصات آن‌ها از جمله مساحت زمین و زیربنا و تعداد طبقات که در نقشه شماره ۳ ارائه شده است، نشان از تراکم بالای این پروژه‌ها در بافت مرکزی شهر دارد. نمودار خودهمبستگی فضایی یک متغیره آن نشان می‌دهد، این پروژه‌ها از نظر فضایی به صورت خوشه‌ای پراکنده شده‌اند، که میزان آماره موران ۰،۴۴ با سطح معنی داری ۹۹ درصد (مطابق با نمودار شماره ۱) این گفته را تأیید می‌کند.

۱ برای ترجمه واژه فوق از کلمه اراضی قهوه‌ای شهری نیز استفاده می‌شود) Urban Brownfield



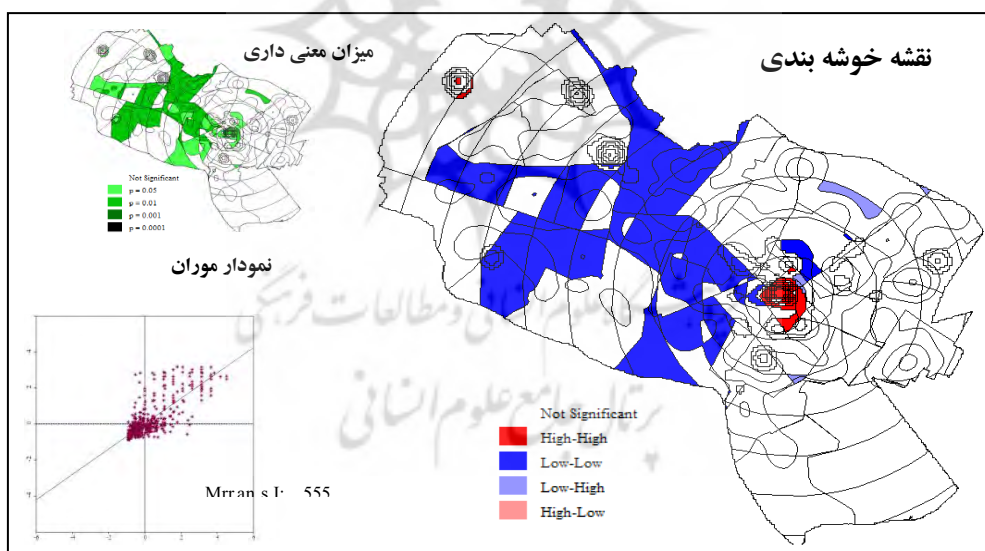
نقشه ۳- تراکم پروژه‌های سرمایه‌گذاری در شهر مشهد



نمودار ۱- میزان خود همبستگی فضایی پروژه‌های سرمایه‌گذاری در شهر مشهد

تحلیل تناسب فضایی - مکانی فرایندی است که مکان مناسب را در پهنه تعیین شده برای کاربری خاص تعیین می‌کند (Hopkins, 1997: 13) و خود همبستگی فضایی به مفهوم این است که ارزش صفت‌های مطالعه شده، خودهمبسته هستند و همبستگی آنها قابل اسناد به نظم جغرافیایی پدیده‌ها است

(Clark, 1986: 379). مدل‌های متفاوتی برای اندازه‌گیری آماره‌های خود همبستگی فضایی^۱ وجود دارد، از جمله شاخص موران^۲ و ضریب گری^۳ و آماره عمومی G^۴ می‌باشند (Lee et al, 2001:136)، اما اکثر تحلیلگران با شاخص موران موافق‌ترند، اساساً به خاطر توزیع مشخصاتش مطلوب‌تر است (Cliff and Ord, 1973: 1981). ضریب موران یکی از شناخته‌ترین تکنیک‌هایی است که به وسیله آن امکان اندازه‌گیری رابطه بین دو متغیر فضایی امکان پذیر می‌گردد و باعث تمایز آن با سایر معادلات از جمله رگرسیون خطی و غیر خطی و ضرایب همبستگی پیرسون و غیره می‌شود. ضریب موران بین منفی یک تا یک متغیر است. منفی یک برابر تعامل فضایی منفی و یک برابر تعامل فضایی مثبت به کار می‌رود (Rahnama & Abaszade, 2008: 105). خود همبستگی فضایی بین تراکم پروژه‌های سرمایه‌گذاری و درآمد سرانه خانوار در نواحی شهر مشهد همبستگی بالا و مثبت را با میزان موران ۰,۷ نشان می‌دهد، به عبارت دیگر رابطه معنی‌داری بین این دو شاخص وجود دارد، که این رابطه در محدوده مرکزی شهر و اطراف حرم مطهر به صورت بالا-بالا است، به عبارت دیگر در جایی که درآمد بالاتری برای خانوار به ثبت رسیده است، تراکم بالاتری نیز از پروژه‌های پیشنهادی برای سرمایه‌گذاری وجود دارد.



شکل ۳- رابطه بین تراکم پروژه‌های سرمایه‌گذاری با درآمد سرانه خانوارها در شهر مشهد

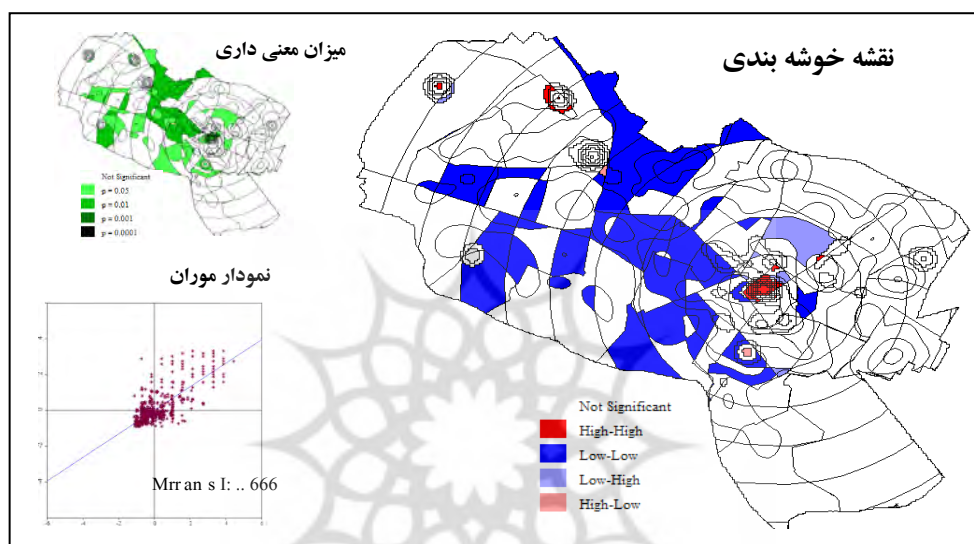
1 Spatial Autocorrelation

2 Moran's Index

3 Garry

4 General G-Statistic

شاخص موران با میزان ۰,۶۵۶ نشان دهنده رابطه معنی دار و مستقیم بین تراکم پروژه‌های سرمایه گذاری و میزان دسترسی به خدمات و زیرساخت‌ها در نواحی شهرداری مشهد می‌باشد، همان‌طور که شکل شماره ۴ نشان می‌دهد، بیشتر محدوده‌هایی که در تحلیل معنی دار هستند در خوشه‌های بالا-بالا (در اطراف حرم و میدان شهدا) و پایین-پایین (حوزه میانی شهر) قرار دارند.



شکل ۴- رابطه بین تراکم پروژه‌های سرمایه گذاری با سطح دسترسی به خدمات و زیرساخت‌ها نواحی در شهر مشهد

علاوه بر تحلیل توزیع فضایی که در بندهای قبلی ارائه شد و نشان می‌دهد که رابطه فضایی مستقیمی میان پراکندگی پروژه‌های سرمایه‌گذاری و سطح دسترسی به خدمات و زیرساخت‌ها و درآمد ساکنان آن محدوده وجود دارد، بررسی کاربری‌های این پروژه نیز شاید بتواند به دریافت درک بهتری از جهانی شدن نولیرالیسم در مشهد کمک کند، بررسی‌ها نشان می‌دهد که ۳۱,۵ درصد از مساحت پروژه‌ها به کاربری تجاری اختصاص یافته‌اند و ۲۲ درصد کاربری اقامتی دارند. این در حالی است که مثلاً در کانادا، برنامه‌ریزی اراضی رهاشده شهری بیشتر با هدف افزایش کیفیت زندگی، تأمین مسکن ارزان قیمت و ... انجام می‌شود (DeSousa, 2002: 306) و درصد اراضی متروک در بریتانیا که طی سال‌های ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۳ به فضاهای سبز تغییر کاربری دادند، بیشتر از هر کاربری دیگری است (Quinlan, 2005: 12).

برای نمونه بین سال‌های ۱۸۸۳ تا ۱۹۹۳، ۱۹ درصد اراضی رهاشده‌ی بریتانیا تبدیل به فضای سبز گردید (Ziari, K. et all, 2009: 311).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

گفتمان غالب جهانی شدن که رویکردی خطی و عددی است، سلسله‌مراتبی از شهرها را فرض می‌گیرد که بر اساس آن شهرهای در مراتب بالا در مرتبه‌ی بالاتری از توسعه قرار دارند، بنابراین شهرها برای بدست آوردن رتبه بالاتر که به معنی توسعه یافتگی بیشتر است در حال رقابت با یکدیگرند. این رویکرد از آن جایی ناشی می‌شود که می‌پنداریم، شهر مکانی انتزاعی برای معاملات اقتصادی است (Rennie Short, 2009: 124)، رونق اقتصادی شهرها نیز بستگی به جلب و جذب مؤسسات اقتصادی و مالی است. از این رو طبیعی است که شهرها برای جذب مؤسسات اقتصادی بزرگ و معتبر با هم به رقابت پردازند. جلب توجه سرمایه‌گذاری‌های بزرگ بین‌المللی در فضای جریان‌ها به سوی شهرها نیز که در دهه‌های اخیر بسیار رواج داشته است (Ziari, K. et all, 2009: 43)، نیازمند فراهم آوردن بسترهای مناسب است. از همین زاویه است که گزاره بازساخت فضای شهری برای جهانی شدن، امروزه بسیار مرسوم است و به بیان بهتر به فهم همگانی و عادت‌واره تصمیم‌گیران و برنامه‌ریزان شهری در ایران بدل شده است. از همین روست که در این مقاله ادعا می‌شود جهانی شدن در سطح گفتمانی و با خلق گزاره‌های ویژه خود بر شهرهای ایران اثر می‌گذارد.

نمودهای عینی این گفتمان در شهر و شهرداری مشهد بسیار مشهود است و برنامه‌ریزی شهری در این شهر توجه ویژه‌ای به جذب سرمایه‌های بی‌مکان کرده است، برگزاری دو دوره از نمایشگاه‌های پروژه‌های سرمایه‌گذاری در شهر مشهد و ترویج نوسازی و بازساخت شهری تنها نمونه‌هایی از آن هستند، در این زمینه همچنین می‌توان به پروژه نوسازی بافت پیرامون حرم مطهر امام رضا (ع) اشاره نمود. از آنجاییکه سرمایه‌گذاری خارجی چندانی در ایران و از جمله شهر مشهد وجود ندارد، اقتصاد سیاسی خاصی برای اجرای سیاست "بازساخت فضای شهری برای جهانی شدن" به‌وجود آمده است که از مجال این مقاله خارج است و نیازمند بررسی‌های جداگانه‌ای می‌باشد.

اگر بخواهیم خلاف عادت صحبت کنیم باید بگوییم که نظریه اقتصادی (شهر به عنوان یک بازار) یکی از نظریات اساسی مربوط به پیدایش شهرها می‌باشد (Shokouei, 2004: 143)، اما تنها نظریه نیست، بسیاری از محققین و متفکرین شهری، شهر را به عنوان امری سیاسی می‌شناسند (بنگرید به Fakuhi,

2004)، یعنی جایی که مردم می‌توانند وارد صحنه شوند و تاریخ و تمدن خود را بسازند و از این‌رو جهانی شدن می‌تواند دارای بعدی ناهمگون‌ساز باشد و به خلق فضایی متمایز کمک کند. تا این بعد از جهانی شدن را شناسیم و در پی ایجاد فضایی متمایز نباشیم، جهانی شدن به توسعه راستین و پایدار ختم نخواهد شد، بلکه خود در خدمت ایدئولوژی پایان تاریخ و آخرین انسان در خواهد آمد.

در این مقاله نشان داده شد که اتصال شهرهای ایران و به ویژه مشهد به جهانی شدن از نوع اتصالی نیست و جایگاه شهرهای ایران در سلسله مراتب شهرهای جهانی گویای این امر است، بلکه شهرهای ایران از نظر گفتمانی تحت تأثیر گفتمان غالب جهانی شدن هستند. با توجه به گزاره ((بازساخت شهرهای ایران با توجه به بایسته‌های شهرهای جهانی ضروری است)) می‌توان تأثیر جهانی شدن را در شهرهای ایران تشخیص داد. این جهانی شدن بر اساس الگوی نولیرالی در حال رخ دادن است و از آنجایی که سرمایه‌های بی‌مکان در مقیاس جهانی به شهرهای ایران نمی‌آیند، سرمایه‌های سرگردان داخلی جذب پروژه‌های سرمایه‌گذاری می‌شوند.

کتابنامه

1. Abdolahi, A. (2008). *Globalization, Metropolises and transforming patterns of urban-rural development (the case of poverty and inequality in Mashhad Metropolis*, Mashhad: PhD. Thesis in the Geography and Rural Planning in Ferdowsi University of Mashhad. [in Persian].
2. Amin, A & Thrift, N. (2002). *Cities; Re-imagining the urban*. Cambridge: Polity.
3. Biau, D. (2012). Are Asian Cities Shaped by Global Forces? *Economic & Political Weekly*, vol xlvii(29): 31-33
4. Brenner, N. (2014). Implosions/Explosions, Towards a Study of Planetary Urbanization, *Urban Geography*, Pp.1-3.
5. Breerer, N., & Thrift, N. (2002). Cities and the Global: A New Perspective. *Antipode*, 34, 349-379.
6. Castells, M. (2001). *Information Age; economy, society and culture*. 2nd volume, Translated by Chavoshian, H. Tehran Tarhe Now publication. [in Persian].
7. Clark, w.a.v and Hosking, p.l. (1986). *Statistical Methods for geographers*, New York: John Wiley and sons.
8. Cliff, A.D. and Ord, J.K. (1973). *Spatial autocorrelation*. London: Pion.
9. Cox, R.W. (2002). *Political economy of a plural world: Critical reflections on power, morals and civilization*. New York, NY: Routledge.
10. Deleuze, G. (2013). *Foucault*, Translated by Sarkhosh, N. & Jahandideh, A. Tehran: Nashre Ney, [in Persian].

11. DeSousa, C. A. (2002) : Brownfield Redevelopment in Toronto:an examination of past trends and future prospects. *Land Use Policy* 19. PP: 297-309.
12. Dreyfus, H. L. & Rabinow, P. (2003). *Michel Foucault: Beyond Structuralism and Hermeneutics*. Translated by Bashiriyeh, H. Tehran: Nashre Ney. [in Persian]
13. Fakuhi, N. (2004). *Urban anthropology*, Tehran: Nashre Ney, [in Persian].
14. Faocoualt, M. (2010). *Teather of philosophy*, translated by Jahandide A & Sarkhosh, N. Tehran: Nashre Ney, [in Persian].
15. Farnahad Consulting (2009). *Mashhad Master Plan, Land and space report*, Mahhad, [in Persian].
16. Friedmann, J. & Wolff, G. (1982). World cityformation: an agenda for research and action.. *International Journal of Urban and Regional Research* 6(3); 309-344
17. Friedmann, J. (1995). *Where we stand: a decade of world city research*. in P. Knox and P. Taylor (eds.), *World cities in a world-system*..Cambridge: Cambridge University Press.
18. Friedmann, J. (2005). Globalization and the emerging culture of planning.. *Progress in Planning* 64: 183-234.
19. Ghurchi, M. (2012). *Explaining formation of global cities with implication for Tehran to be a global city*, Tehran: PhD. Thesis in the Geography and Urban Planning in Tarbiat Modares University. [in Persian].
20. Hall, P. (1966). *The world cities*. London: Weidenfeldand Nicolson.
21. Hall, P. (1998). *Information technology, globalization and regional development*. In Gravesteijn, S.G.E., Griensven, S. and Smidt, M., editors, *Timing global cities*, Utrecht: Netherlands Geographical Studies, 101-115.
22. Harvey, D. (2012). *A brief history of neoliberalism*, translated by Abodlahzade, M. Tehran, [in Persian].
23. Hopkins, L. (1977). Methods for generating land suitability maps: a comparative evaluation. *Journal for American Institute of Planners* 34 (1), 19° 29.
24. Iranzade, S. (2001). *Globalization and strategic shifts in the management and organization*, Tabriz: Center for Teaching Management. [in Persian].
25. Jafre, M. & Saffar, R. (2011). Methods of Foreign Direct Investment. *Economic-Political Information*. (283). Pp 160-172. [in Persian].
26. Karaman, O. (2010). *Remaking Space for Globalization: Dispossession through Urban Renewal in Istanbul*, A DISSERTATION. MINNESOTA: THE UNIVERSITY OF MINNESOTA.
27. Karaman, O.(2013). Urban neoliberalism with Islamic characteristics. *Urban Studies*, 50(16): 3412-3427
28. Komejani, A. & Ghavidel, S. (2006) the impact of the foreign direct investment in the employment in service sector in Iran, *Economic Research Journal*. (76). Pp 29-50, [in Persian].
29. Lee, Jay Wong and David.w.s. (2001). *Statistical analysis with Arcview GIS*. New York: John Wiley and sons, pp: 135-137

30. Lefebvre, H. (2003 (1970)). *The Urban Revolution*. Minnesota: University of Minnesota Press.
31. Maljou, M. (2013a). *Political economy of 11th government* [in Persian]. downloaded at 03/04/2016 from <https://pecritique.com>
32. Maljou, M. (2013b). *Economies of commodification labor power in 11th government* [in Persian]. downloaded at 03/04/2016 from <https://pecritique.com>
33. Maljou, M. (2014a). *Accumulation economy via disposition in 11th government* [in Persian]. downloaded at 03/04/2016 from <https://pecritique.com>
34. Maljou, M. (2014c). Commodification of nature in the 11th government [in Persian]. downloaded at 03/04/2016 from <https://pecritique.com>
35. Maljou, M. (2015). *Criticizing the political economy project of 11th government* [in Persian]. downloaded at 03/04/2016 from <https://pecritique.com>
36. Maljou, M. (2016). *Commodification of higher education in the 11th government* [in Persian]. downloaded at 03/04/2016 from <https://pecritique.com>
37. Mashhad Municipality. (2009). *Social GIS of Mashhad Municipality*. Mashhad
38. McKinnon, M. (2011). *Asian Cities: Globalisation, Urbanisation and Nation-Building*. Copenhagen: Nordic Institute of Asian Studies.
39. Myers, D&&Wyatt, P. (2004). Rethinking urban capacity: identifying and appraising vacant buildings. *Building Research & Information*, 32 (4). Pp: 285-292.
40. Peck, J. (2001). Neoliberalizing states: Thin policies/hard outcomes. *Progress in Human Geography*, 25, 445° 455.
41. Phillips, L. and Jørgensen, M. (2010). *Discourse Analysis as Theory and Method*, translated by Jalili, H. Tehran: Nashre Ney, [in Persian].
42. Quinlan, M. C. (2005). *An exploration of brownfield reclamation and housing redevelopment in southern Ontario*. Guelph: In partial fulfillment of requirements for the degree of master of landscape architecture university of Guelph.
43. Rahnama, M. & Abaszade, G. (2008). *Principles and models of urban physical form*, Mashhad: ACRER publication, [in Persian].
44. Rahnama, M. & Tavangar, M. (2010). The role of border cities in the process of globalization and regional development, *Geopolitic quarterly journal*. 6 (3). Pp 152-185 [in Persian].
45. Razavian, M. (2012). *Class Paper on Development economy with emphasis on Iran*. Tehran: Shahid Beheshti University
46. Rennie Short, J. (2009). *Urban Theory: A Critical Assessment*, translated by Ziari, K. et al. Tehran: Tehran University Publication [in Persian].
47. Sarkhosh, N. (2013). Transforming from sovereignty to governmentality, *Shargh Newspaper*. Number 1922; p 7. [in Persian].
48. Sarvar, H. (2008). *Economic globalization and sustainable development of metropolises the case of Tehran metropolis*, Tehran: PhD. Thesis in the Geography and Urban Planning in Tarbiat Modares University. [in Persian].
49. Sassen, S. (2001). *The global city: New York, London, Tokyo*. Revised edition.. Princeton, NJ: Princeton University Press.

50. Shahnoushi, N. (2007). *Ranking development level of Mashhad sectors*, Mashhad: Mashhad City Council, [in Persian].
51. Shaterian, M. & Ganjipoor, M. (2011). The impacts of investment in the enabling rural areas, *Rural research journal*, 1(3). Pp 131-152, [in Persian].
52. Shokouei, H. (2004). *New approaches in urban geography*, Tehran; Samt publication, [in Persian].
53. Smith, R. G. (2013). Beyond the Global City Concept and the Myth of Command and Control *International Journal of Urban and Regional Research*, 38(1): 1-18
54. Springer, S. (2010). Neoliberal discursive formations: on the contours of subjectivation, good governance, and symbolic violence in posttransitional Cambodia. *Environment and Planning D: Society and Space* 28 (5): 931-950.
55. Springer, S. (2012). Neoliberalism as discourse: between Foucauldian political economy and Marxian poststructuralism. *Critical Discourse Studies* 9 (2): 133-147.
56. Taylor, P. (2004). *World city network: a global urban analysis*. London: Routledge.
57. Taylor, P. J. (2008). *Is there a Europe of Cities? World Cities and limitation of Geographical Scale Analyses*. in E. Sheppard & R. B. McMaster, *Scale and Geographic Inquiry: Nature, Society, and Method*. Pages 213-235. Wiley-Blackwell.
58. Taylor, P. J. & Derudde, B. (2016). *World city network: a global urban analysis*. 2nd edition. London: Routledge.
59. Thrift, N. (2010). *Interview with Nigel Thrift*, In Farias, I. & Bender, T. *Urban Assemblages, how actor-network theory changes urban studies*. pages 109-120. London and New York: Routledge.
60. UN-Habitat. (03/2016). *The city we Need available at [http:// mirror. unhabitat. org/ downloads/ docs/ The%20City%20We%20Need.pdf](http://mirror.unhabitat.org/downloads/docs/The%20City%20We%20Need.pdf)*
61. Ward, K., & England, K. (2007). *Introduction: Reading neoliberalization*. In K. England & K. Ward (Eds.), *Neoliberalization: States, networks, peoples* (pp. 1° 22). Malden, MA: Blackwell.
62. Ziari, K. et al. (2009). *Principles and technics of urban planning*, Chabahar: Chabahar University publication, [in Persian].